



بازار کتاب طنز از رونق افتاده

رامین زارعی

روزنامه نگار و طنزپرداز



در این هفته به مناسبت روز کتاب و کتابخوانی سراغ چند نفر از فعالان جوان عرصه کتاب رفته ایم تا پیرامون اوضاع و احوال کتاب های طنز با آن ها گپ و گفتی داشته باشیم.

محمد اسماعیل عبادتی مدیر فروشگاه کتاب و فعال این عرصه است که از ۱۹ سالگی وارد حوزه کتاب شده و اصلاً شروع کارش با کار کتاب بوده. او تقریباً ۱۰ سال است که این راه را ادامه داده. عبادتی می گوید این کار را صرفاً بخاطر علاقه دنبال می کند و گرنه از پول در آن خبری نیست!



محمد اسماعیل حیدری راد نیز فعال عرصه کتاب، کتابفروش و دانشجوی دکتری حقوق است. او از ابتدای دوران دانشجویی به فضای کتاب علاقه زیادی داشته و اکنون حدود دو سال است که به صورت جدی در این حوزه مشغول به کار است.



هانیه فرازمند هم کارشناس کتاب و مشغول در یک کتابفروشی است. او قبل از این مدرس زبان بود و صرفاً به خاطر علاقه وارد حوزه کتاب شد؛ وگرنه به قول خودش آن شغل آب و نان بهتری برایش داشت. البته الان به تدریس و ترجمه هم مشغول است.



کتاب طنز بخندند و باعث خنده شود؛ درحالی که واقعاً اینطور نیست. حتماً یک کتاب طنز کتاب خنده داری نیست بلکه در بیان مسائل، یک زبان زیرکانه دارد. شاید شما خنده داری نگیرد اما خب از مطالعه آن لذت ببر. این بیشتر در بحث نگرش است و باید تغییر نگرش اتفاق بیفتد. کتاب طنز، کتابی است که قرار است مسائلی که با جدیت به نتیجه نرسیده است را با طنز مطرح کند. وقتی این کتاب را دارید می خوانید آخرش دارید از آن چیزی یاد می گیرید؛ فکر نکنید که حتماً باید بخندید و هیچی هم یاد نگیرید و فقط جهت سرگرمی باشد. کتاب طنز جهت سرگرمی نیست. مثل وقتی است که شما مثلاً فیلم کلاسیک چارلی چاپلین را می بینید که در دل طنزش کلی مطلب دارد. از این جهت تغییر نگرش خیلی مهم است.

+ مردم سراغ کتاب های طنز قدیمی هم می آیند؟

- فرازمند: نه واقعیتش!

- حیدری راد: نه!

- عبادتی: یکسری کتاب های طنز نسبتاً قدیمی و کلاسیک ایرانی داریم که این ها واقعاً جایگاه قوی ای دارند. یعنی واقعاً به لحاظ فنی، نگارششان جالب و جذاب است. مثلاً قصه های مجید هوشنگ مرادی کرمانی، یا از قدیمی ترها مثلاً چرند و پرند، دایبی جان ناپلئون و تعلیمات غیراجتماعی، این ها خیلی عالی هستند. قدیمی تر از آن ها هم طنزهای عبید زاکانی را داریم. منتها این کتاب ها مشتری ندارند و این خیلی بد است. معلوم می شود مردم این ها را نمی شناسند!

+ کتاب های طنز ترجمه شده را می شناسید؟

- عبادتی: بله. در کتابفروشی هم داریم. عناوینش کم نیستند ولی خیلی هم زیاد نیستند. مثلاً «شوایک» جزء کارهای خیلی حرفه ای است یا عزیز نسین چند عنوان طنز دارد. عناوین محدود هستند. من خودم در بحث ادبیات طنز بیشتر توجهم را روی بحث ایرانی گذاشته ام، چون طنز جهانی کمی دور از طنز ما است؛ جدی می گویم! یعنی شما مثلاً «شوایک» را که می خوانید از لحاظ فنی لذت می برید ولی شاید یک جاهایی واقعاً از کلماتش یا آن

- فرازمند: به نظرم کتاب های طنز، کلاً هیچ وقت کتاب های خیلی پرفروشی نبوده اند. حالا یکسری از کتاب های طنز که خود ناشر یا نویسنده آن ها را تبلیغ می کنند، مثل سری آبنبات ها که توسط خود نویسنده خیلی تبلیغ شد؛ زود به چاپ دوم رسیده بود. از موقعی که من وارد این حوزه شده ام تنها کتاب طنز پرفروشی که خیلی سراغش آمده اند، سری آبنبات ها بود مخصوصاً جلد آخرش، آبنبات نارگیلی. یعنی کاملاً به تبلیغ نویسنده، تبلیغ ناشر و فضای مجازی مربوط می شود.

- حیدری راد: کتاب های طنز در حوزه رمان خریدار دارد. ظرفیت و خواهان هم دارد.

+ میل و علاقه مردم نسبت به کتاب های طنز را چگونه می بینید؟ متقاضی دارند؟

- حیدری راد: سؤال خیلی سختی است. در طول یک سال گذشته شاید دو یا سه نفر آمده اند بگویند کتاب طنز هم دارید؟ یا کتاب طنز هم می توانید معرفی کنید؟ یعنی حضور ذهن ندارم که کسی بگوید کتاب طنز خوب چه چیزی به من پیشنهاد می کنید. مگر اینکه کتاب طنز شناخته شده ای را خواسته باشد. در کودک و نوجوان بیشتر بوده؛ خیلی از نوجوان ها، مخصوصاً پسرها به طنز رغبت داشته اند.

- فرازمند: خیلی کمتر از قبل. قبلاً مجلاتی مثل «سه نقطه» بود و یکسری کتاب ها هم بیشتر خریداری می شدند. فکر می کنم کتاب های طنز توسط مردم خیلی جدی گرفته نمی شوند. یعنی فردی که می خواهد در این شرایط گرانی کتاب هزینه کند و کتاب بخرد، کتاب طنز را از لیستش حذف می کند. البته در حوزه ادبیات کودک و نوجوان قضیه متفاوت است و ما کتاب طنز زیاد داریم. مثلاً یکسری کتاب داریم که راجع به طنز دفاع مقدس است. یکسری هم هست مثل «قصه های من و ننه آغا» که فضایش شبیه قصه های مجید است. من بیشتر طنزهایی که خوانده ام، کتاب های نوجوان بوده که باز هم بوده اند. کتاب های کودک و نوجوان طنز خیلی زیاد داریم و اتفاقاً خیلی هم خوب فروخته می شوند.

- عبادتی: حس می کنم آحاد مردم جامعه، یک اشتباه و برداشت غلطی از کتاب طنز دارند و آن هم این است که حتماً باید به این

+ چقدر با کتاب های طنز آشنایی دارید؟ آیا این کتاب ها جزو علاقه مندی های شما هستند؟

- عبادتی: کتاب های طنز جزء علاقه مندی های شخصی خودم هست، منتها جزء اولویت های مطالعه ام نیست.

- حیدری راد: قبلاً نه؛ ولی از وقتی که وارد فروشگاه شدم و با این حوزه آشنا شدم و دیدم مخاطب دارد، سعی کردم چند تا از آثار پرفروش این حوزه را مورد مطالعه قرار دهم؛ مثل آبنبات پسته ای و هل دار و... یا چندتا از کتاب های آقای امیریان.

- فرازمند: واقعیتش این است که کتاب های طنز برای یک مدت طولانی جزء علاقه مندی های من نبود، تا اینکه یک مجموعه خواندم و خوشم آمد و ادامه دادم. می شود گفت بعد از قصه های مجید که در دوران نوجوانی خواندم، دیگر سراغ کتاب های طنز نرفتم تا اینکه دوباره با کتاب های آقای مهرداد صدقی (سری آبنبات ها) آشنا شدم و از آبنبات هل دار شروع کردم و سری آبنبات ها را خواندم. بیشتر کتاب های طنز را خوانده ام ولی نمی شود گفت جزء زمینه های مورد علاقه ای من هستند و خیلی پیگیرشان هستم.

+ در این وضعیت بازار کتاب، مشخصاً کتاب های طنز چه وضعیتی دارند؟

- عبادتی: خراب تر از خراب. الان در حوزه کتاب های طنز، اوضاع خوب نیست. نه فقط ایران بلکه به نظرم این قضیه یک بحث جهان شمول است. در کتاب های طنز خارجی که در ایران ترجمه می شود یا حتی آن هایی که ترجمه هم نمی شوند، قسمت طنز از ادبیات داستانی یا ادبیات شعر جهان دارد کمی کم رنگ تر از گذشته می شود. الان فروشندگان یا مشاوران کتاب ما، دستشان خیلی بسته است. واقعاً نسبت تعداد عناوین طنز به بقیه عناوین به شدت کم است. در بحث شعر طنز هم همین طور است. ولی مردم سراغ کتاب طنزی می آیند که عقبه و سابقه دارد. مثلاً کارهای آقای مهرداد صدقی وقتی می گیرد، همه منتظرند کتاب بعدی ایشان بیاید. آبنبات پسته ای می آید، بعد آبنبات دارچینی می آید، بعد آبنبات نارگیلی می آید و همه هم با استقبال مواجه می شود.